نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هفتم، تابستان ۱۴۰۲، شماره دوم، صفحات ۳۳۱ تا ۳۳۷

پژوهشی

مبانی فلسفی و مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت در بحران کرونا

غلامرضا محبیان[۱]، سیدابراهیم موسوی*[۲]، جمشید میرزایی[۳]

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران
۲. *نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران، se.ebrahim.moosavi65@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مسائل مهمی که علاوه بر بعد فردی، دارای ابعاد گسترده‌ای در زمینه‌های اجتماعی، حکومتی، امنیتی و رسانه‌ای است، بحران ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا است که در این میان، رسالت دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش به دنبال آن است که با بررسی مبانی مختلف فلسفی و مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت، مبنایی مناسب در برابر خسارات ناشی از ویروس کرونا ارائه دهد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به‌صورت توصیفی تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: نظریاتی همچون «مصلحت عمومی»، «تضمین حق»، «تضمین مشروعیت»، «تعهدات بیمه‌ای» و «تکافل اجتماعی» مهم‌ترین مبانی فلسفی دولت را تشکیل می‌دهند؛ ضمن آن که مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت در مواجهه با بحران کرونا نیز بر قانون اساسی، قوانین عادی، قوانین ستاد ملی مبارزه با کرونا و قوانین بین‌المللی استوار است. در خصوص این نوع از خسارات، چاره‌ای جز متوسل‌شدن به مبانی فلسفی که به حقوق عمومی و عدالت توزیعی ختم می‌شوند، نخواهیم داشت.

نتیجه‌گیری: از اهم نتایج این پژوهش، توجه به راهکارهای جدید در زمینه خسارات غیرقابل‌اجتناب مانند خسارات ناشی از وقوع بلایای طبیعی از قبیل کرونا است. در این راستا، صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی کشور، جزء یکی از نیازهای مهم و الزامی است.

کلیدواژه‌ها: دولت، فلسفه پزشکی، کووید-۱۹، مسئولیت قانونی، مدارک

مقدمه

بیماری‌های واگیردار از جمله ابتلا به کرونا (کووید۱۹-) از چالش‌های بزرگ برای جهان به شمار می‌روند که امور زندگی جوامع بشری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. پرسشی که در این زمینه و در ابتدای امر مطرح می‌شود این است که چرا دولت در حوادثی همچون بحران کرونا که نقشی در آن ندارد، در قبال صدماتی که از طریق اعلام شرایط اضطراری، به مردم وارد می‌شود، باید جبران خسارت کند؟ نظریات متعددی در این زمینه وجود دارد که تعیین مبنای فلسفی جبران خسارت هم از جنبه نظری و هم از جنبه کاربردی برای ما مؤثر خواهد بود. در این پژوهش به‌ضرورت بحث به مهم‌ترین این نظریات پرداخته خواهد شد.

«نظریه مصلحت عمومی» در مقام بیان الزام دولت در ارائه مستمر، مطلوب و مؤثر خدماتی است که هر فرد به‌صورت دائم به بهره‌مندی از آنها نیاز دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌مثابه مهم‌ترین سند حقوقی و سیاسی کشور، در اصول متعدد (۲۸، ۴۰، ۶۷، ۱۱۲، ۱۶۴ و ۱۷۵) با عبارات گوناگونی همچون «مصالح کشور»، «مصلحت جامعه»، «مصالح عمومی»، «منافع ملی» و «مصلحت نظام» به این مفهوم اشاره کرده است. در «نظریه قرارداد بیمه»، دولت در مقابل دریافت مالیات مستقیم و غیرمستقیم از اشخاص، بیمه‌گر آن‌ها محسوب می‌شود و برای اثبات مسئولیت دولت، نیازی به اثبات تقصیر برای سازمان دولتی یا اشخاص مأمور به خدمت عمومی نیست؛ زیرا نظام بیمه مشترک، بر جامعه حکومت می‌کند (۱).

«نظریه تضمین مشروعیت»، بنیان عقیدتی خود را در تأمل درباره مبنای شکل‌گیری و جهت مشروع دولت قرار می‌دهد؛ دیدگاهی که به‌خوبی می‌تواند در پاسخ به چرایی مسئولیت مدنی دولت در بلایایی همچون بحران کرونا مورداستفاده قرار گیرد. در «نظریه تکافل اجتماعی» یکی از کارکردهای اساسی هر حکومتی ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی است؛ جایگاه این موضوع در اصول متعدد قانون اساسی، از جمله اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ روشن شده است (۴). در جبران خسارات ناشی از کرونا،

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]

توجه به مبانی فلسفی که به عدالت همگانی ختم می‌شوند، راهگشاست (۵). همچنین تشکیل صندوق بیمه حوادث طبیعی از نیازهای مهم و الزامی کشور است (۶).

روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، همانند بسیاری دیگر از پژوهش‌های حقوقی، یک شیوه کیفی و مبتنی بر روش توصیفی ـ تحلیلی بود. جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات صورت‌گرفته بود. قابلیت سنجی انتساب وظایف دولت در خصوص مبارزه با بیماری‌های واگیردار، باید مستند به مبانی درست حقوقی و مواد قانونی باشد؛ بنابراین در این مقاله با اعتنای به پیامدهای حقوقی این بیماری مسری، به‌تناسب زمان و مکان حاضر، ابتدا مبانی فلسفی مسئولیت مدنی دولت در بحران کرونا بر طبق نظریات موجود بررسی شد. در مرحله دوم باتوجه‌به این که قانون‌گذار در مواضع مختلف، با تصویب موادی به وظایف دولت پرداخته، مواد قانونی مربوطه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی مورد بررسی واقع شد.

یافته‌ها

دولت در نظام حقوقی و سیاسی، به تمام ارکان حاکمیتی اعم از تقنینی، اجرایی و نظارتی اطلاق می‌شود که وظیفه تأمین امنیت، رفاه و سلامت آحاد جامعه را دارا است (۷). در زمینه مسئولیت مدنی دولت نظریات مختلفی مطرح شده است؛ باتوجه به اینکه برخی از آن‌ها در نوشتارهای پیشین مورد بررسی قرار گرفته است، به‌صورت اجمالی به آن‌ها اشاره‌ای خواهد شد و برخی دیگر از نظریات که کمتر کار شده است، مورد بررسی بیشتری قرار خواهند گرفت. طبق «نظریه تقصیر» کسی را می‌توان مسئول خسارت دیگری دانست که تقصیر او سبب ورود ضرر باشد؛ زیرا مسئولیت تنها در موردی ایجاد می‌شود که شخص، کار نامشروعی را به‌عمد انجام دهد یا در اثر خطای او زیانی وارد شود (۸). ارتباط این قاعده با بحث موردنظر ما بدین ترتیب است که اگر مدیری در باب پیشگیری، درمان و به‌طورکلی مدیریت بحران کرونا، باعث ضرر و زیان به دیگری شود و خسارت هم مبتنی و مستند به تقصیر او باشد و این مطلب از سوی زیان‌دیده اثبات گردد، وی مسئول و ضامن است و موظف به جبران خسارت است (۹).

بر مبنای «نظریه خطر» هرکسی که به فعالیتی بپردازد، محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد و چنین کسی که از این محیط منتفع می‌شود، باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند (۷). مطابق این نظریه، فعالیت‌های دولت در زمان بحران کرونا، حتی اگر بدون تقصیر انجام پذیرد، می‌تواند موجد خطر باشد. به‌عنوان‌مثال مصوبات ستاد ملی کرونا مبنی بر بازگشایی بازارها و محیط کسب‌وکار به علت تعطیل‌نشدن اقتصاد کشور، می‌تواند محیطی خطرناک برای شهروندان به وجود آورد و باید بر طبق این نظریه ارزیابی گردد. «نظریه مسئولیت محض» حاصل افکار فلسفی حقوق‌دانان در مواجهه با پیشرفت دانش بشری و پیچیده‌شدن رابطه اجتماعی است که با حذف عنصر تقصیر از مسئولیت مدنی و تأکید بر رابطه سببیت، در پی تسهیل جبران خسارت زیان‌دیده است. در حقوق ایران مصادیق فراوانی از مسئولیت محض که مبتنی بر مبانی فقهی است، یافت می‌شود؛ قانون‌گذار تمایل چندانی ندارد که دامنه این نوع مسئولیت را به حوزه‌های جدید گسترش دهد (۸). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظریاتی همچون «مصلحت عمومی»، «تضمین حق»، «تضمین مشروعیت»، «تعهدات بیمه‌ای» و «تکافل اجتماعی» مهم‌ترین مبانی فلسفی دولت را تشکیل می‌دهند؛ ضمن آن که مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت در مواجهه با بحران کرونا نیز بر قانون اساسی، قوانین عادی، قوانین ستاد ملی مبارزه با کرونا و قوانین بین‌المللی استوار است.

بحث

نظریه مصلحت عمومی: در این نظریه، اولویت بر نیاز شهروندان است و زمانی که افراد به یک بلای طبیعی دچار شوند، دولت موظف است امنیت و آرامش را برای آنان فراهم کند. نظریه مصلحت عمومی از جمع سه ایده «قدرت عمومی»، «خدمت عمومی» و «منفعت عمومی» شکل‌گرفته است. بر طبق ایده اول، تکلیف اداری دولت برقراری نظم عمومی است و منظور از نظم عمومی تأمین امنیت اشخاص، اموال، سلامت و اطمینان خاطر افراد است. «خدمت عمومی» عبارت است از مجموعه وظایف و اختیاراتی که به‌وسیله آن، به نیازمندی‌های عمومی پاسخ داده می‌شود؛ مانند ساختن پارک‌ها و فضای سبز. ایده «منفعت عمومی» بر این تلقی استوار است که جهت عمل اداری باید هر آن چیزی باشد که در چارچوب قانون، تأمین‌کننده نفع عمومی است. ایده «نفع عمومی» هم از حیث موضوعی و هم از بعد سازمانی قلمرو گسترده‌ای دارد و حوزه‌های تقنینی و قضایی را نیز شامل می‌شود (۱۲). مطابق«نظریه مصلحت عمومی»، مسئولیت دولت در جبران خسارت ناشی از کرونا و الزامات مترتب بر آن - در ترمیم زیان‌های وارده - مربوط به تکلیفی است که دولت در انجام اقدامات تأمین‌کننده نظم، ارائه خدمات و منفعت عمومی دارد. در ایران در نبود قوانین مدون دراین‌خصوص، مجلس شورای اسلامی در قانون بودجه سالانه، بودجه‌ای را به حوادث ناگهانی اختصاص داده و تصویب می‌نماید تا در صورت بروز حادثه‌های طبیعی، دولت اقدامات انسان‌دوستانه را برای کمک به خسارت‌دیدگان انجام دهد که البته مسئولیت دولت از جنبه اجتماعی و اخلاقی است نه این که دولت از نظر قانونی مسئول جبران خسارت وارده به حادثه‌دیدگان باشد (۱۳).

«نظریه مصلحت عمومی» بیان الزام دولت در ارائه مستمر، مطلوب و مؤثر خدماتی است که هر فرد به‌صورت دائم به بهره‌مندی از آن‌ها نیاز دارد. این خدمات در برخی موارد تأمین‌کننده و در بسیاری از موارد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]

تضمین‌کننده و درهرحال ارتقادهنده وضعیت مطلوبی است که منافع انسان در ابعاد مادی و معنوی از آن متأثر است؛ لذا مطابق این نظریه، مسئولیت دولت در جبران خسارت ناشی از کرونا و الزامات مترتب بر آن - در ترمیم زیان‌های وارده - مربوط به تکلیفی است که دولت در انجام اقدامات تأمین‌کننده نظم، ارائه خدمات و منفعت عمومی دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌مثابه مهم‌ترین سند حقوقی و سیاسی کشور، در اصول متعددی (۲۸، ۴۰، ۶۷، ۱۱۲، ۱۶۴ و ۱۷۵) با عبارات گوناگونی همچون «مصالح کشور»، «مصلحت جامعه»، «مصالح عمومی»، «منافع ملی» و «مصلحت نظام» به این مفهوم اشاره کرده است.

نظریه تضمین حق: این نظریه بیان می‌دارد هرکسی از افراد جامعه حق دارد در جامعه‌ای سالم و در امنیت کامل زندگی کند و از اموالش استفاده کند و دیگران نیز باید به این حقوق احترام بگذارند. اگر حقی از بین برود، باید به‌وسیله عامل از بین برنده حق، جبران شود. استارک، بنیان‌گذار این نظریه در صدد است که تمام موارد مسئولیت مدنی را بر مبنای تضمین قانون‌گذار، مبنی بر حفظ و حمایت از حقوق اشخاص در جامعه توجیه نموده و بدون توجه به مسئولیت عامل زیان به‌صرف ایجاد خطر یا داشتن تقصیر، این مسئولیت را لازمه اراده قانون‌گذار در حمایت از حقوق افراد اجتماع تلقی کند (۱۰). حسن بزرگ این نظریه آن است که به تضمین حقوق افراد زیان‌دیده و حمایت قانونی از آن توجه و تأکید دارد.

از باب تطبیق با شرایط کشورمان باید گفت که قانون مدیریت بحران کشورمصوب ۱۳۹۸، دولت را مسئول جبران خسارت ناشی از بلایای طبیعی (به عنوان یکی ازمصداق‌های مخاطره منجر به بحران) در حق اشخاص آسیب‌دیده دانسته است. ماهیت این الزام حمایت و پاسداری از حقوق افراد است؛ حقوقی که انسان به حکم انسان بودن و طبیعت خود از آن‌ها برخوردار است (۱۹).

نظریه تضمین مشروعیت: «نظریه تضمین مشروعیت» (۱۲) رویکردی حقوق بشری به موضوع دارد و به‌نوعی به ضمانت اجرایی یک مسئله و یا رخداد تأکید می‌کند. نظریه‌ای که بنیان عقیدتی خود را در تأمل پیرامون مبنای شکل‌گیری و جهت مشروع دولت قرار می‌دهد. دیدگاهی که به‌خصوص در دنیای معاصر، ادبیات نوین و فضای فکری حاکم بر گفتمان حق به‌خوبی می‌تواند در پاسخ به چرایی مسئولیت مدنی دولت در بلایایی همچون بحران کرونا مورداستفاده قرار گیرد. این نظریه، بنیان خود را بر این عقیده استوار می‌سازد که مبنای تشکیل دولت، در مهم‌ترین وجه خود، تعریف حقوق افراد و تأمین و تضمین آن‌ها است و در نتیجه، مشروعیت آن در گرو پاسداشت این تعهدات است؛ لذا مسئولیت مدنی دولت ناشی از الزامی است که این تأسیس، در تأمین حقوق مؤسسین خود دارد (۱۳).

مداخله دولت و لزوم ارائه خدمات و مساعدت‌های لازم در بلایای طبیعی، تثبیت موضوعیت و تضمین مشروعیت خویش است. در نظریه‌های معاصر حقوق بشر که سمت‌وسویی عدالت‌خواهانه یافته است، ایده «برابری در فرصت» موقعیت ویژه‌ای دارد. محتوای ایده «برابری در فرصت» آن است که تمامی افراد بایستی در سطح مشخصی از نیازمندی‌های اولیه یا اساسی همواره برابر باشند (۱۴). این ایده به‌خصوص با شکل حداقلی دخالت دولت‌ها در رفع مشکل حاصل از بلایای طبیعی و یا ماهیت ترمیم اقدامات ناشی از این مسئولیت، تناسب و هماهنگی کامل دارد.

از باب تطبیق با شرایط کشورمان باید گفت که قانون مدیریت بحران کشورمصوب ۱۳۹۸، دولت را مسئول جبران خسارت ناشی از بلایای طبیعی (به عنوان یکی ازمصداق‌های مخاطره منجر به بحران) در حق اشخاص آسیب‌دیده دانسته است. ماهیت این الزام حمایت و پاسداری از حقوق افراد است؛ حقوقی که انسان به حکم انسان بودن و طبیعت خود از آن‌ها برخوردار است (۱۹).

نظریه قرارداد بیمه: مطابق این نظریه، دولت بر طبق قراردادی که با افراد منعقد می‌سازد، ملزم می‌شود که زیان‌های وارد بر آن‌ها را که ناشی از بلایای طبیعی باشد، از طریق ترمیم ضایعات وارده، به حداقل برساند(۱۵). به عبارت ساده‌تر، افراد طبق قرارداد منعقده در برابر بلایای طبیعی همچون بحران کرونا بیمه می‌شوند. منطق حامی از گرایش به‌سوی انعقاد این قرارداد، اول، ممکن‌الوقوع بودن این حوادث و دوم پیش‌بینی افراد از ناتوانی بیمه‌های خصوصی در تحت پوشش قراردادن زیان حاصل از حوادث، بنا به دلایل زیر است: ۱. بیمه‌گر خود نیز می‌تواند قربانی این بلایا شده و در نتیجه قادر به جبران و حتی ترمیم این زیان‌ها نشود. ۲. حجم کمی و کیفی زیان‌های وارده به‌گونه‌ای نیست که بیمه خصوصی قادر به پوشش تمام آن باشد. ۳. اقدامات ترمیم متعاقب بر وقوع بلایا بایستی با سرعتی قابل‌قبول و اندازه‌ای قابل‌دفاع ارائه شود و چنین اقدامی به‌خصوص باتوجه‌به حجم زیاد وارده، تنها از سوی دولت امکان‌پذیر است (۱۶).

بنابراین، مبنای الزام دولت به ترمیم زیان‌های وارده در حوادث طبیعی همچون بحران کرونا، قراردادی ضمنی است که مفاد آن ترمیم زیان حاصل از این بلایا است. این که دولت با چه منطقی چنین الزامی را متقبل می‌شود، به ایده حاکم بر این نظریه بازگشت دارد. به‌موجب این نظریه، تقصیر که مانعی برای مسئول دانستن دولت بود، برداشته شده و مبنای مسئولیت دولت را با «نظریه بیمه» توجیه می‌کنند. دولت در مقابل دریافت مالیات مستقیم و غیرمستقیم از اشخاص، بیمه‌گر آنها محسوب می‌شود و برای اثبات مسئولیت دولت نیازی به اثبات تقصیر برای سازمان دولتی یا اشخاص مأمور به خدمت عمومی نیست؛ زیرا نظام بیمه مشترک بر جامعه حکومت می‌کند (۱).

نظریه تکافل اجتماعی «خدمات اجتماعی»: یکی از کارکردهای اساسی هر حکومتی ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی است. از منظر دین، تکافل اجتماعی حقی است همگانی که از سوی جامعه و حکومت به رسمیت شناخته شده و به‌وسیله راهبردهای سلبی و ایجابی برای حمایت از همه افراد جامعه به‌منظور تأمین نیازهای عالی و غیرعالی حیات طیبه به‌خصوص

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]

به هنگام بحران تعبیه شده است. تکافل و تأمین اجتماعی در یک تعریف عبارت از: رفع فقر، کم‌کردن فاصله بین افراد ثروتمند و فقیر، ایجاد امنیت روانی، حمایت از مردم به هنگام خطر و بروز مشکل، درمان بیماری‌ها و اموری نظیر آن است (۱۷). جایگاه این موضوع در اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ روشن شده است (۲).

در زمینه راهبردهای تکافل اجتماعی چند نکته دارای اهمیت است: ۱) در نظام بیمه‌ای و حمایتی، اصل عدالت بایستی رعایت شود. ۲) در توزیع این حق همگانی باید این نکته رعایت شود که بین دریافت و پرداخت حق بیمه، فاصله زیادی نباشد. ۳) عدالت اقتضا می‌کند حاکمیت اسلامی در تخصیص منابع، نگاهی هم به آینده و نسل‌های بعدی داشته باشد تا سهم آیندگان از منابع ملی محفوظ بماند. ۴) دولت باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که راهبردهای حمایتی در حوزه‌های مختلف خدمات اجتماعی به‌سوی خدمات مردمی هدایت شود (۱۸). نکات مطرح شده که همگی مربوط به نحوه و چگونگی جبران خسارت می‌باشد، ارتباطی مستقیم با مسئولیت مدنی دولت دارد که در بحران کرونا می‌تواند مورداستفاده قرار گیرد. در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی نوعی بیمه (تکافل) که برگرفته از اصل همگانی بوده و شکلی از حفاظت مالی بر پایه کمک متقابل مشترک ریسک می‌باشد، ایجاد شده است (۱۹).

مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت در بحران کرونا: (جدول ۱) در قانون مدنی ایران در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ به‌طور صریح اشاره به نظریه فورس ماژور در مسئولیت مدنی دولت شده است؛ لذا می‌توان گفت نمی‌توان دولت را برای بروز بلایای طبیعی و غیرقابل‌پیش‌بینی همچون کرونا که نقشی در ایجاد آن ندارد زیر سؤال برد؛ بلکه فقط می‌توان عملکرد و نقش مسئولان دولتی را برای مسائل و تصمیمات بعد از حادثه غیرقابل‌پیش‌بینی بررسی کرد و در صورت کم‌کاری یا سهل‌انگاری آنان را مؤاخذه کرد. از منظر قانون اساسی، رد پای سلامت و بهداشت عمومی را می‌توان در اصول ۳، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۰، ۴۳، ۵۰، ۶۰، ۴۰، ۱۲۲ و ۱۷۱ دنبال کرد. اصل ۲۹ قانون اساسی، تأمین دسترسی عادلانه به خدمات سلامت را وظایف دولت برشمرده است. مطابق اصول ۲۱، ۱۲۲ و ۱۷۱ دولت در قبال امنیت، آموزش، سلامت، درمان و... در برابر ملت مسئول است. همچنین در اصل ۴۳ و بند ۱۲ اصل ۳ قانون مذکور، تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش‌وپرورش، برطرف ساختن هر نوع محدودیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت مورد تأکید قرار گرفته است.

در خصوص قوانین عادی نیز می‌توان به «قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار» مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ اشاره کرد که بر اساس آن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ملزم به اجرای طرح‌هایی برای مقابله با امراض مسری و آمیزشی شده است؛ باتوجه‌به این که کرونا از امراض مسری است توجه به این قانون حائز اهمیت است. همچنین ماده ۱۱۳ منشور حقوق شهروندی بر حق برخورداری از محیط زندگی سالم و عاری‌ازمیکروب تأکید کرده است. ماده ۲ قانون سازمان مدیریت بحران کشور، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز از دیگر قوانین مرتبط درباره کرونا هستند (۲۰). یکی از نکات قابل‌طرح در خصوص ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات این است که اگر تقصیر ناشی از کارمند دولت و هم ناشی از نقص وسایل اداره باشد و عوامل مذکور به‌طور مشترک در ورود خسارت مؤثر باشند را پیش‌بینی نکرده و حکم آن را مشخص نکرده است؛ اما با مراجعه به قواعد عمومی و قوانین و مقررات پراکنده‌ای نظیر ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و بند «ج» ماده ۱۶۵ قانون دریایی و... می‌توان نتیجه گرفت که در صورت تعدد و تداخل اسباب ورود خسارت، تمام عاملان مسئولیت تضامنی داشته و زیان‌دیده می‌تواند به هرکدام از آنها برای جبران تمام یا قسمتی از خسارت خود مراجعه کند.

قانون‌گذار در ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ به دولت اجازه داده به‌منظور پیشگیری، امدادرسانی، بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه، اعتبار موردنیاز را در لوایح بودجه سالانه منظور کند. همچنین ستاد ملی مبارزه با کرونا تشکیلاتی است که در اوایل اسفند ۱۳۹۸ در پی شیوع کرونا در ایران با مصوبه شورای‌عالی امنیت ملی تشکیل شد. اولین جلسه این ستاد ۶ اسفند ۱۳۹۸ برگزار شد و همه تصمیم‌ها در خصوص اقدامات ضروری درباره مقابله با بیماری کرونا، از جمله اعلام تعطیلی‌ها از سوی این ستاد انجام می‌شد. به دلیل خلأ مقرراتی در بحران کرونا، دستورالعمل‌هایی از سوی ستاد ملی کرونا (در مورد فعالیت‌های انسانی و نهادی و صنفی) و بخش‌نامه‌هایی از سوی قوه مجریه (از جمله در مورد شیوه فعالیت ادارات و مراکز صنفی) و قوه قضائیه در مورد (اداره زندان‌ها و دادگاه‌ها) صادر شده است (۲۶).

مقررات «سازمان جهانی بهداشت» نیز از جمله اسناد بین‌المللی است که نسخه نهایی آن در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ شمسی) به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۷ به تمامی کشورهای عضو برای اجرا ابلاغ شد. گستره این مقررات تنها به بیماری خاص یا روش انتقال ویژه محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل هرگونه ناخوشی یا وضعیت پزشکی (بدون توجه به منبع یا مبدأ آن) است که بالقوه یا بالفعل بتواند به انسان‌ها آسیب‌های بارز وارد کند (۲۷). کشور ایران طبق قانون اجازه الحاق دولت ایران به سازمان بهداشت جهانی مصوب ۱۳۲۷ به عضویت این سازمان درآمده و متعهد به اجرای مقررات آن شده است. همچنین «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به‌عنوان یکی از معاهدات بین‌المللی قابل‌ذکر است که ایران در سال ۱۳۵۴ بدان ملحق شده است. در این میثاق، الزامات و تعهدات دولت‌های عضو در خصوص بهداشت با تفصیل بیشتری بیان شده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]

نتیجه‌گیری

مبانی فلسفی مسئولیت مدنی دولت در مقابله با ویروس کرونا بر نظریاتی محکم استوار است؛ بر اساس «نظریه مصلحت عمومی»، مسئولیت مدنی دولت در بلایای طبیعی همچون کرونا، چیزی جز الزام دولت در برقراری سلامت و اطمینان خاطر افراد نمی‌باشد؛ ضمن آن که مبانی فلسفی مسئولیت مدنی دولت بنا بر «نظریه تضمین حق و مشروعیت» آن نیز بر بهره‌مندی افراد و جامعه از سلامت کامل زندگی آن‌ها استوار است. مبنای مسئولیت مدنی دولت در «نظریه قرارداد بیمه‌ای»، بر طبق قرارداد است که دولت با افراد منعقد نموده و ملزم به جبران زیان‌های وارده بر آن‌ها از بلاهای طبیعی است. بر اساس «نظریه تکافل اجتماعی» یکی از کارکردهای اساسی دولت‌ها ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی است و در بحران کرونا مسئولیت مدنی دولت نیز حمایت از مردم به هنگام خطر و بروز مشکلات و اموری نظیر آن است.

مستندات قانونی مسئولیت مدنی دولت در بحران کرونا نیز مبتنی بر قواعد مختلفی است که در قوانین مرتبط با مسئولیت دولت‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی آورده شده است:

جدول ۱. فهرست قوانین داخلی و بین‌المللی مسئولیت مدنی دولت در سلامت

در قوانین داخلی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸: اصول ۳، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۰، ۴۳، ۵۰، ۶۰، ۱۲۲ و ۱۷۱؛ اصل ۲۹ قانون اساسی، تأمین دسترسی عادلانه به خدمات سلامت را وظایف دولت برشمرده است. مطابق اصول ۱۷۱ و ۲۱ قانون اساسی و اصل ۱۲۲ همان قانون، دولت در قبال امنیت، آموزش، سلامت، درمان و... در برابر ملت مسئول است.

۲. قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰: مقرراتی را در خصوص کنترل بیماری‌های واگیردار وضع می‌کند

۳. قانون سازمان مدیریت بحران کشور مصوب که ۱۳۸۷ که در زمان بحران کرونا به‌کار می‌آید: این قانون، مدیریت بحران را شامل چهار مرحله دانسته است: الف- پیشگیری ب-آمادگی پ- مقابله ت- بازسازی و بازتوانی. با تصویب قانون مدیریت بحران کشور در سال ۱۳۹۸، در ماده ۱ قانون همچنان بر لزوم رعایت و تحقق این مراحل به‌عنوان برخی از مهم‌ترین اهداف و وظایف سازمان تأکید شده است.

۴. بند (و) از سرفصل نخست مصوبه (شماره ۱۵۸۱۴/۲۷/۴/الف ش) مورخ ۵/۷/۱۳۸۵ وزارت کشور: در این بند تصریح شده است که: «پرداخت خسارت به اشخاص حقیقی در اثر اغتشاشات و بحران‌ها» از تکالیف دولت است.

۵. سیاست‌های کلان سلامت که از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ ابلاغ شد: در اولین ماده بر ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، بهداشتی، درمانی و توان‌بخشی سلامت مبتنی بر اصول و ارزش‌های انسانی ـ اسلامی و نهادینه‌سازی آن در جامعه تأکید شده است.

۶. ماده ۱۱۳ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵: بر حق برخورداری از محیط زندگی سالم و عاری‌ازمیکروب تأکید کرده است.

۷. ماده ۵ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷: به توسعه و تقویت مؤسسات و واحدهای پژوهشی پزشکی تأکید شده است. همچنین در جهت تأمین بند ۵ از سیاست‌های کلان حوزه سلامت، می‌توان به مواد ذیل اشاره کرد:

- مواد ۱ و ۵ و ۱۲ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۲۴/۷/۱۳۶۴
- مواد ۲ و ۳ دستورالعمل برنامه کاهش میزان پرداختی بیماران بستری در بیمارستان‌ها مصوب ۱۵/۲/۱۳۹۳
- ماده ۲ دستورالعمل برنامه حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم مصوب ۱۵/۲/۱۳۹۳
- مواد ۲ و ۳ دستورالعمل برنامه حضور پزشکان متخصص مقیم در بیمارستان‌های وابسته به وزارت بهداشت و درمان مصوب ۱۵/۲/۱۳۹۳
- مواد ۲ و ۳ دستورالعمل ارتقای کیفیت خدمات ویزیت در بیمارستان‌های وابسته به وزارت بهداشت مصوب ۱۵/۲/۱۳۹۳

در قوانین بین‌المللی

۱. ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد) مصوب ۱۹۴۸ م: «حق داشتن امنیت کافی در سلامتی خود و رفاه خانواده از حیث نیازهای اولیه مثل خوراک و پوشاک و مسکن و درمان، یک حق عمومی و بشری و عام‌الشمول است».

۲. ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶م : در متن آن آمده است: «تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد؛ شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود: الف. تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان ـ مرگ‌ومیر کودکان و رشد سالم آنان ب. بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات پ. پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر - بومی - حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها ت. ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلای به بیماری».

۳. بند ۱ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ م: تعلیق حقوق بشر را در شرایط خاص در حیطه صلاحیت دولت‌ها دانسته است.

۴. مواد ۵ و ۶ و ۱۳ مقررات جهانی سلامت مصوب ۲۰۰۵ م: دولت‌ها مکلف‌اند برای مقابله با بیماری‌های فراگیر ظرفیت‌سازی نمایند. همچنین مواد ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۲ و ۴۴ و مقررات جهانی سلامت: موازینی درارتباط‌با ورود و خروج مسافران به داخل مرزها در هنگام شیوع بیماری‌های واگیردار پیش‌بینی‌شده‌اند.

۵. ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ م: در بند اول ماده دوم این اعلامیه آمده است: «بهداشت و سلامت و برخورداری از رفاه اجتماعی از طرف جامعه و دولت، با آماده‌کردن همه وسایل عمومی که وضع بهداشت و زندگی تأمین اجتماعی در حدود امکانات به آن‌ها نیازمند است، حق هر انسانی است و باید تأمین شود».

۶. مواد ۴ و ۵ کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ م: ماده ۴ این سند مبنی بر مبارزه با نژادپرستی است. ماده ۵ این سند اشعار می‌دارد: «.....حق هر فرد در تمتع از حقوق اساسی مساوی است و ویژگی‌هایی همچون نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت نمی‌تواند تغییری در این تساوی در برابر قانون ایجاد کند».

۷. ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ م:«کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استانداردهای بهداشتی و تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توان‌بخشی به رسمیت می‌شناسند.

۸. ماده ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد مصوب ۱۹۶۳ م: نخستین و کلی‌ترین اشاره‌ای که به حق سلامت شده است، در ماده ۵۵ منشور ملل متحد است که بر اساس بند ب این ماده، «دولت‌ها متعهد به ترویج راه‌حل‌هایی برای برون‌رفت از مشکلات مربوط به‌سلامت هستند». در ماده ۵۶ این منشور نیز آمده است که «کلیه اعضا متعهد می‌شوند که با همکاری سازمان ملل متحد برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ به‌طور مستقل یا با همکاری یکدیگر اقداماتی به عمل‌آورند».

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]

به نظر می‌رسد دولت‌ها از رهگذر توجه به منافع عالی جامعه بین‌المللی، احترام به حق حیات مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، تکریم اصل حسن نیت و همکاری در روابط بین‌المللی به عنوان اصلی سازنده و مقوم بسیاری از تعهدات قراردادی و غیرقراردادی، تفسیر جامع و متکامل حقه‌ای بشری در منظومه نظام بین المللی حقوق بشر، افزایش همکاری‌های بین‌المللی، احترام به اصل اطلاع‌رسانی در مواقع ضروری، اعمال اصلاحیات و مراقبت مقتضی در کلیه مسائل زیستی، می‌توانند جبران خسارات را به بهترین شکل انجام دهند و راهکارهای اتخاذ شده در اسناد بین‌المللی نیز نه تنها به وسیله قوانین ایران نفی نشده است، بلکه مفاد آن‌ها از روح قوانین ایران قابل استنباط است.

پیشنهادات

۱. بازنگری و اصلاح قوانین موجود و تلاش در راستای تصویب قانون جامع سلامت که دربرگیرنده تمام قواعد و مقررات این حوزه، از جمله وضعیت اضطراری سلامت باشد.
۲. سالانه یک ردیف بودجه اختصاصی یا صندوق ویژه بلایای طبیعی به‌منظور تأمین هزینه‌های اضطراری تأسیس شود.
۳. سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تهیه منابع بهداشتی و دارویی و تولید واکسن همکاری گسترده‌ای داشته باشند.
۴. پژوهش‌های مشابه درمورد واکسن کرونا نیز انجام شود.
۵. شورای امنیت در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد می‌تواند برای اعضای ملل متحد تعهدات حقوقی الزام آور ایجاد نماید و از دولت‌ها بخواهد تا اطلاعات علمی و پزشکی خود را برای مقابله با ویروس کرونا مبادله کرده و به اشتراک بگذارد تا ابعاد بین‌المللی خطر بیماری قابل کنترل باشد. همچنین می‌تواند جایگاه سازمان جهانی سلامت را در مقابله با ویروس کرونا تقویت نماید و با تصویب قطعنامه‌ای از همه دولت‌ها بخواهد تا توصیه‌نامه‌های آن سازمان را الزام آور قلمداد و اجرا نمایند.

حمایت مالی

مقاله پژوهشی حاضر حمایت مالی ندارد.

ملاحظات اخلاقی

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که تمام اصول اخلاقی در نگارش این مقاله رعایت شده است.

تعارض منافع

در پژوهش حاضر هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در به سامان رساندن پژوهش حاضر همکاری کردند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

1. AlSan M. Government's civil responsibility for communicable diseases (case study: Covid-19). Journal of Legal Research 2020; 23 (Special Letter on Law and Corona): 215-243. [In Persian]
2. Mohebian G R, Mousavi S E, Mirzaei J. Jurisprudential Foundations of the Government's Civil Responsibility in Compensating for Damages Caused by the Corona Virus. MLJ 2023; 17 (58) :13-26. [In Persian]
3. Shabani A. Developments of civil responsibility of the government and public institutions in Iran. Master's thesis of the Department of Law and Political Science, Tehran: Shahid Beheshti University; 2006. P. 74. [In Persian]
4. Izanlou O, universal sponsorship in Islamic economy and its relationship with social security theory. Available at: http://vasael.ir/fa/news/6287
5. Bahrami Ahmadi H, Alamkhani A. Basics of the government's civil responsibility for environmental pollution. Danesh Journal of Public Law 2014; 2(7): 9-19. [In Persian]
6. Kazemi Taklimi R. Requirement of the country's general natural disaster insurance fund. Available at: http://www.chabokonline.com
7. Jokar M. Jurisprudential foundations of the government's obligations regarding the prevention and control of infectious diseases (Corona case study). Journal of Medical Law. 2021; 15(58): 207-223. [In Persian]
8. Zargush M. Basics of Immunity and Responsibility in Government Civil Liability. Public Law Magazine 2009; 5: 71 – 90: 12. [In Persian]
9. Mir Khalili A, Halimi S. Civil responsibility of government administrators from the perspective of jurisprudence and law. Journal of Government Jurisprudence 2018; 2(3): 57-84. [In Persian]
10. Katouzian N. Civil Rights Preparatory Course (Legal Events). 1th ed. Tehran: Mezan Publishing House; 1999. P. 23-24& 27. [In Persian]
11. Badini H, Shabani Kandsari H. Radparvor S, Absolute Liability, Basics and Examples. Journal of Criminal Law Studies 2012; 1: 19-33. [In Persian]
12. Ansari W. Generalities of Administrative Law.Tehran: Mizan Publications; 1998. [In Persian]
13. Vahdani A. legal responsibilities for dealing with natural disasters. Available at:Iran newspaper website: www.ion.ir/news/436971. Accessed april 22, 2019[In Persian]
14. Rostami W, Bahadri Jahormi A. Civil Liability of the Government. Research Journal of Islamic Law 2009; 10(1): 69-105. [In Persian]
15. Katouzian N. obligations outside the contract (compulsory guarantee) civil responsibility. Tehran: Mizan publishing house; 1995. [In Persian]
16. Zargosh M. Government's civil responsibility in natural disasters. Social Welfare Quarterly 2006; 6(23): 303-320. [In Persian]
17. Pipes Ch, Police Pursuits and Civil Liability. USA: FBI Law Enforcement Bulletin; 2001:7 (70): 16-21.
18. Homayoun P. [Theory of Welfare]. Petrik T(Author).Tehran: Gam Nu Publications; 2002. [In Persian]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]

19. Ehsani Karsikala S, Mohammadi S, Abhari H. 1401. The civil responsibility of the government after the occurrence of natural disasters with a view to the law of crisis management of the country (approved in 2018). New researches of administrative law 2022; 4(12): 227-250. [In Persian]
20. Lee J, In Search of a Theory of State Liability In The European Union.USA: Harvard Law School; 1998.
21. Scuro J, Civil Liability for Failure to Train.USA: Law and Order Wilmette; 2002.
22. Haj Hosseini H. An Introduction to the Basics of Takaful and Social Security in Islam. Marafet Magazine 2009; 139: 55-68. [In Persian]
23. Hali (Mahaqq Hali) N.Islamic Laws in Matters of Halal and Haram. 2th ed. Qom: Ismailian Institute; 1988.
24. Tohidinia A, Siflo S. Takaful and the importance of its development in the country's insurance industry. the first national conference on the study of the business environment of the country's insurance industry: Tehran; 2008. Available at: https://civilica.com/doc/ 114725
25. Mozafari M, Morteza Mirzai M. legal review of the government's performance and responsibility in compensating for damages caused by the Covid-19 crisis. Legal research magazine2020; 23 (Special Letter on Law and Corona): 385-411. [In Persian]
26. Sadeghi H. legal system of communicable diseases. Corona mining sample. Available at: http://cabinetoffice.ir/news/6452
27. Goya M. translation of the international health regulations approved in 2005. World Health Organization. commissioned by the Ministry of Health. Treatment and Medical Education. Tehran: Tandis Publishing House; 2017. [In Persian]

Original

Philosophical Foundations and Legal Documents of the Government's Civil Responsibility in the Corona Crisis

Gholamreza Mohebian[1], Seyed Ebrahim Mousavi[*2], Jamshid Mirzaei[3]

1. PhD Student in Private Law, Department of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran
2. ⁎**Corresponding Author:** Assistant Professor of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran, se.ebrahim.moosavi65@gmail.com
3. Assistant Professor of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

Abstract

Background: Corona virus crisis is an important issue, with numerous dimensions in social, governmental, security and media aspects, in addition to the individual dimension. Among these, the mission of the government is of special importance. This research seeks to provide a suitable basis against the damages caused by the corona virus, via examining various philosophical bases and legal documents of the government's civil responsibility.

Methods: This research is theoretical, and the research method is descriptive and analytical. Collection of information is library-based, and achieved by referring to documents, books and articles.

Results: Theories such as public interest, guarantee of rights, guarantee of legitimacy, insurance obligations, and social sponsorship comprise the most important philosophical foundations of government legitimacy; In addition, the legal documentation of the government's civil liability in the face of the Corona crisis is based on the Constitution, common law, the rules of the National Anti-Corona Headquarters and international law. With regard to this type of damages, we will have no choice but to resort to philosophical foundations that lead to public law and distributive justice.

Conclusion: One of the most important results of this study is to pay attention to new solutions in the field of unavoidable damages, such as damages caused by natural disasters, such as corona. In this regard, the public natural disaster insurance fund of the country is one of the important and mandatory needs.

Keywords: COVID-19, Government, Legal liability, Medical Philosophy, Records

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.22]